

بحثی در باره راه نیافتن روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» در گفتمان مهدویت اهل سنت

یونس دهقانی فارسانی^۱

سید کاظم طباطبایی^۲

مهدی جلالی^۳

چکیده

روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» بیشتر در فضای فکری شیعه در بافت موضوع مهدی موعود - علیه السلام - مورد استناد قرار می‌گیرد. پرسشی که نوشتار حاضر به آن می‌پردازد، آن است که چرا با وجود ذکر پرشمار این روایت در آثار حدیثی اهل سنت و نیز باور قاطبه گروه‌های فکری آنها به موضوع مهدویت، این روایت به ادبیات مهدویت آنها راه نیافته است. در این نوشتار کوشیده‌ایم تا سه عامل را در بساختن گفتمان تفسیری این روایت در میان اهل سنت شناسایی کنیم: الف. زمینه صدور، ب. روایات تضمین‌کننده ترکیب اصلی روایت مورد بحث، ج. کاربردهایی که آنها در متون حدیثی سنی یافته‌اند. سپس نشان داده‌ایم که همین عوامل، فهم (خوانش) از این روایت را به گونه‌ای شکل داده‌اند که متفاوت از فهم آن در شیعه گردیده است. به این ترتیب، پیوندی میان این روایت و گفتمان مهدویت در اهل سنت ایجاد نگردیده است.

کلیدواژه‌ها: أفضل الأعمال انتظار الفرج، زمینه صدور، گفتمان مهدویت، اهل سنت.

درآمد

روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج»، یکی از روایاتی است که نقل‌های گوناگونی از آن

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه فردوسی.

۲. استاد دانشگاه فردوسی.

۳. دانشیار دانشگاه فردوسی.

در منابع مختلف روایی شیعی بازتاب یافته است. این روایت را در فضای فکری شیعه، بیشتر در بافت مسأله مهدویت و ظهور مهدی موعود - علیه السلام - مورد استناد قرار داده‌اند.^۴ همین روایت را در بسیاری از منابع متقدم و متأخر حدیثی اهل سنت نیز می‌توان جست.^۵ با این حال، آنچه در نگاه نخست به منابع اهل سنت به دست می‌آید، آن است که محدثان سنی مذهب این روایت را در بحث از مسأله مهدویت به کار نمی‌گیرند؛ با وجود آن که قاطبه آنها به ظهور مهدی موعود - علیه السلام - در آخرالزمان باور دارند.^۶ پرسشی که در این مقاله به دنبال پیشنهاد پاسخی برای آن هستیم، آن است که با وجود آن که باور به مهدی موعود - علیه السلام - در میان اهل سنت وجود دارد، چرا این روایت - که در برخی مجموعه‌های روایی مهم شیعی درباره ظهور قائم - علیه السلام - کاربرد یافته - در میان عالمان اهل سنت، با وجود ذکر آن در آثار روایی شان، در بافت مسأله مهدویت کاربردی نیافته است.

پیش از آغاز بحث باید یادآور شد که گردآوری نقل‌های گوناگون روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» از منابع شیعی و اهل سنت، نشان می‌دهد که در لفظ این نقل‌ها، اختلاف‌هایی وجود دارد.^۷ شاکله مشترک همه این نقل‌ها را می‌توان این گونه یافت: در تمام این نقل‌ها، چه در منابع شیعی و چه در منابع سنی، ترکیب «انتظار الفرج» به مثابه عنصر مشترک در روایت حاضر است. نیز در تمام نقل‌ها، عبارتی دال بر ستوده بودن و برتری «انتظار الفرج» نسبت به سایر اعمال یا سایر عبادات، گاه پیش، و گاه پس از ترکیب «انتظار الفرج» وجود دارد. به این ترتیب، رشته لفظی:

«لفظ "انتظار الفرج" + عبارتی دال بر ستایش یا ستایش تفضیلی آن»

یا رشته لفظی:

«عبارتی دال بر ستایش یا ستایش تفضیلی انتظار فرج + لفظ "انتظار الفرج"»

را می‌توان به مثابه ساختار، شاکله اصلی و وجه مشترک تمام نقل‌های مختلف روایت مورد بحث، در نظر گرفت. به این ترتیب، بر اساس این ساختار، معنایی که قدر مطلق تمام نقل‌های مختلف روایت بوده است، آن است که «انتظار فرج» امری ممدوح و مورد پسند،

۴. برای بحث درباره کاربردهای آن، رک: ادامه مقاله.

۵. برای معرفی برخی منابع، رک: ادامه مقاله.

۶. رک: ادامه مقاله.

۷. بررسی‌های ما در منابع مختلف نشان داد که در حدود ۳۳ نقل مختلف از این روایت در منابع شیعی، و هشت نقل مختلف در منابع روایی اهل سنت وجود دارد.

یا ممدوح و پسندیده‌ترین امر است.

در باره فهم‌هایی که از این روایت صورت پذیرفته است، باید گفت که بررسی‌ها در منابع حدیثی شیعی و اهل سنت نشان می‌دهد که همه فهم‌های ارائه شده را می‌توان به دو دسته تقسیم یا در دو قطب تعریف نمود؛ فهمی که مقصود از این روایت را انتظار گشایش و رفع سختی در زندگی می‌داند؛ به عبارت دیگر، انتظار گشایش دشواری‌ها و سختی‌های زندگی را داشتن، از بهترین کارهاست. این فهم در میان اهل سنت رواج تام دارد. این فهم از روایت را برای سهولت در ارجاع به آن، «فهم اخلاقی» می‌نامیم. فهم دیگری که از این روایت در منابع می‌توان یافت، آن است که مقصود، انتظار ظهور قائم آل محمد - علیه السلام - است؛ یعنی انتظار ظهور مهدی موعود - علیه السلام - را داشتن، از پسندیده‌ترین کارها برای مؤمن است. این فهم را تنها در آثار روایی شیعی می‌توان دید. این فهم را در این نوشتار فهم «قائم - محور» می‌خوانیم. همچنین به جهت ارجاع آسان‌تر، در این نوشتار، فهم از روایت را «خوانش»^۸ از آن روایت، و فردی که روایتی را می‌فهمد، یعنی فهم‌کننده روایت را، «خوانش‌گر»^۹ می‌نامیم.^{۱۰}

روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» در منابع شیعی

در این بخش به بررسی دو مقوله در باره روایت مورد بحث در منابع شیعی می‌پردازیم: نخست، زمینه‌های صدور آن را بازشناسی می‌کنیم. دو دیگر، کاربردهایی را که این روایت در منابع حدیثی شیعه یافته است، برمی‌رسیم. هدف، آن است که دریابیم زمینه‌های خوانش این روایت در سنت شیعی چه بوده‌اند.

الف. زمینه‌های صدور

در میان زمینه‌های صدور که برای نقل‌های گوناگون روایت مورد بحث ما، می‌توان از دل متون روایی برکشاند، برخی به مسأله قیام حضرت حجت - علیه السلام - به مثابه خوانشی از ترکیب «انتظار الفرج» اشاره مستقیم دارند. به این ترتیب، این موارد می‌توانند رهنمون‌گر خوانش‌گر شیعی مذهب باشند که کوشیده است تا این روایت و نقل‌های

8. Reading.

9. Reader.

۱۰. باید توجه داشت که به کار بردن اصطلاح «خوانش» برای فهم در این نوشتار با تسامح همراه است و این دو مفهوم، یکسان نیستند.

گوناگون آن را به سمت خوانش قائم - محور از روایت مورد نظر ما ببرد. در ادامه به برخی از این موارد اشاره می‌کنیم:

شیخ صدوق در کتاب *کمال الدین*، نقلی از روایت مورد نظر ما را از ابو خالد کابلی به نقل از امام سجاد - علیه السلام - می‌آورد. بر اساس این روایت، طی گفت و گویی که میان امام سجاد - علیه السلام - و ابو خالد کابلی در جریان است، ابو خالد از امام درباره ائمه می‌پرسد. امام سجاد - علیه السلام - در پاسخ از وقایع پس از وفات رسول خدا - صلی الله علیه وآله - و سپس درباره امام دوازدهم و غیبت ایشان سخن می‌گویند و از شیعیان آن امام در دوره امامتشان. امام آن شیعیانی را مؤمنان به حق مخلص و صادق بر می‌شمرد که آشکارا و پنهان به دین الهی می‌خوانند. سپس امام در ادامه می‌فرماید:

انتظار الفرج من اعظم الفرج.^{۱۱}

احمد بن علی طبرسی نیز در کتاب *الاحتجاج* خود همین نقل را می‌آورد.^{۱۲} سید هاشم بحرانی نیز این روایت را در کتاب *مدینة المعاجز* خود با اندکی اختلاف در لفظ ذکر می‌کند. نقلی که بحرانی می‌آورد، چنین است:

انتظار الفرج من اعظم العمل.^{۱۳}

این نقل با نقلی که علی نجل محمد الخطی صاحب *وفیات الائمة از کمال الدین* ذکر می‌کند، یکسان است.^{۱۴} در این جا شاهدیم که زمینه صدور روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» ظهور در اشاره به مسأله غیبت امام دوازدهم - علیه السلام - و ظهور ایشان دارد.^{۱۵} اما سوای نقل‌هایی از روایت مورد بحث - که زمینه صدورشان در خوانش شیعی از این روایت نقش دارند - روایات دیگری هستند که موجب می‌گردند تا خوانش گر شیعی این روایت، خوانشی قائم - محور از آن ارائه دهد. این دست از روایات، روایاتی هستند که از یک سو ترکیب اصلی روایت مورد نظر، یعنی ترکیب «انتظار فرج» را تضمین کرده‌اند، و از

۱۱. *کمال الدین و تمام النعمة*، ج ۱، ص ۳۱۹-۳۲۰.

۱۲. *الاحتجاج*، ج ۲، ص ۵۰.

۱۳. *مدینة المعاجز*، ج ۴، ص ۳۱۹-۳۲۰.

۱۴. *وفیات الائمة*، ص ۳۹۸-۳۹۹.

۱۵. در منابع شیعی می‌توان زمینه صدور دیگری نیز برای این روایت یافت که برای طولانی نشدن نوشتار از ذکر آن خودداری می‌کنیم. برای این نقل، نگاه کنید: *کمال الدین و تمام النعمة*، ج ۲، ص ۳۷۷؛ *الصرات المستقیم*، ج ۲، ص ۲۳۱.

دیگر سو، پیوندی با مسأله قیام قائم دارند. این گونه روایات را در این نوشتار «روایات پیرامونی» می‌نامیم. روایات پیرامونی را اگر چه نمی‌توان نقلی از روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» خواند، اما می‌توان دید که آنها موجب ایجاد ارتباطی میان این روایت و مسأله قیام قائم در ذهن خوانش‌گر شیعی می‌گردند. به این ترتیب، این دسته از روایات نیز می‌توانند به مثابه عاملی در شکل‌گیری خوانش قائم - محور در فضای فکری شیعه به شمار آیند.

از جمله آثار متقدم شیعی - که می‌توان روایتی پیرامونی در آن یافت - کتاب تفسیر العیاشی است. نخستین روایت، سخنی است از امام رضا - علیه السلام - در پاسخ به پرسش محمد بن فضیل که از امام درباره فرج پرسیده بود. امام در پاسخ می‌فرماید:

آیا نمی‌دانی که انتظار فرج نیز جزئی از فرج است؟ همانا خداوند می‌فرماید: انتظار برید که من نیز با شما از منتظرانم.^{۱۶}

عیاشی روایت را ذیل آیه ۱۰۲ سوره یونس آورده است؛ چرا که امام در سخن خود، بخش پایانی این آیه را تضمین، فرموده‌اند.^{۱۷} این روایت را اگر به مثابه گزارشی تاریخی ببینیم، آن گاه می‌توان این گونه گفت که پرسش محمد بن فضیل در باره مسأله فرج امام، خود نشان دهنده این است که واژه «فرج» به مثابه کلیدی‌ترین واژه روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج»، با مسأله قائم آل محمد پیوند خورده است. در واقع، از این روست که محمد بن فضیل، از به دست گرفتن زمام امور از سوی امام رضا - علیه السلام - با واژه «فرج» تعبیر می‌کند.^{۱۸}

در جمع‌بندی این بحث باید گفت که به گمان قوی در میان شیعیان، زمینه‌های صدور روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» و نیز روایات پیرامونی آن به مثابه یک عامل موجب می‌گردیده که خوانش‌گر شیعی این روایت، به سمت خوانش قائم - محور گرایش

۱۶. لفظ روایت چنین است: «ا و لیس تعلم ان انتظار الفرج من الفرج؟ ان الله يقول: انتظروا انی معکم من المنتظرین».

۱۷. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۳۸.

۱۸. روایت پیرامونی دیگری را نیز می‌توان در تفسیر العیاشی یافت که وی از امام رضا - علیه السلام - ذیل آیه ۹۳ سوره هود می‌آورد. برای جلوگیری از طولانی شدن بحث، از آوردن آن خودداری می‌کنیم. برای این روایت نگاه کنید: تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۵۹. روایات پیرامونی دیگری نیز در منابع روایی معتبر شیعی قابل مشاهده است. برای نمونه رک: الکافی، ج ۵، ص ۱۹؛ الکافی، ج ۲، ص ۲۲-۲۳؛ الغیبه، ص ۲۵۳؛ هدایة الکبری، ص ۳۵۸.

یابد.^{۱۹} به عبارت دیگر، وی با دیدن این زمینه‌های صدور و نیز روایات پیرامونی، متقاعد می‌شده که این روایت، انتظار ظهور حضرت مهدی - علیه السلام - را پسندیده‌ترین اعمال دانسته است.

ب. کاربردها

در کنار زمینه صدور و همچنین روایات پیرامونی آن، عاملی دیگری که به نظر می‌تواند تعیین‌کننده قایل شدن به یکی از خوانش‌های قائم-محور یا اخلاقی روایت مورد بحث باشد، کاربردی است که روایت مورد بحث یافته است. مقصود از کاربرد در این جا آن است که چه تلقی‌ای از روایت مورد بحث صورت گرفته است. نکته‌ای که باید به آن توجه داشت، آن است که محل قرار گرفتن یک حدیث در یک اثر، می‌تواند کاربرد آن حدیث را در آن کتاب آشکار سازد؛ حتی اگر مؤلف سخنی درباره آن کاربرد در کتابش به زبان نیاورده باشد. در ادامه، به تحلیل کاربرد روایت مورد نظر، با بهره‌گیری از بررسی جایگاه روایت در یک اثر روایی می‌پردازیم.

در گام نخست باید از یکی از رایج‌ترین و مهم‌ترین کاربردهای این روایت سخن گفت که همانا دلالت داشتن بر مسأله قیام قائم است که یکی از ائمه - علیه السلام - می‌توانسته باشد، یا زعامت سیاسی یکی از ایشان، یا قیام امام دوازدهم - علیه السلام - و زعامت سیاسی ایشان. این کارکرد یکی از اصلی‌ترین کارکردهای این روایت است که در منابع روایی مهم شیعه، از جمله در آثاری همچون الغیبة نعمانی و کمال الدین صدوق، که اختصاصاً در مسأله غیبت امام دوازدهم نگاشته شده‌اند، به چشم می‌خورد.^{۲۰} در مجموعه‌های حدیثی متأخرتر مانند بحار الأنوار مجلسی یا در تک‌نگاری‌هایی که در این موضوع نگاشته شده‌اند، می‌توان این کارکرد را شاهد بود.^{۲۱}

درباره نقش کارکردها در شکل دهی به خوانش قائم-محور از روایت مورد بحث در فضای فکری شیعی باید گفت که کاربردهای یک روایت به سان زمینه صدور آن روایت،

۱۹. نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت، آن است که در میان آثار روایی شیعی، خوانش‌هایی را می‌توان سراغ گرفت که به سمت قطب خوانش اخلاقی از این روایت گرایش دارند. این که چرا شاهد چنین خوانش‌هایی از روایت مورد نظر در متون روایی شیعی هستیم، از بحث این نوشتار خارج است. برای نمونه‌هایی از این دست خوانش در منابع شیعی، رک: الامالی (طوسی)، ص ۲۳۶؛ معانی الاخبار، ص ۱۹۹؛ تحف العقول، ص ۱۰۰.

۲۰. برای نمونه رک: کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۳۳.

۲۱. برای نمونه رک: بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲-۱۵۰؛ الصحیفة المهدی، ص ۱۳.

در تولید خوانش نقشی ندارند. این بافت، یا زمینه صدور است که در شکل دهی به خوانش نقش اثرگذاری دارد. کاربردها پس از شکل‌گیری خوانش شکل می‌گیرند. اما کارکردها می‌توانند خوانش‌ها را در طول زمان، پیوسته بازتولید کنند. به بیان دیگر، این زمینه‌های صدور هستند که خوانش‌ها را می‌سازند، اما نقش‌هایی که این خوانش‌ها دارند، در آثاری که آنها را ثبت کرده‌اند، آن خوانش را از قوام برخوردار می‌کنند. این کاربردها، اجازه نمی‌دهند که خوانش‌گری خوانشی متفاوت از آنچه پیشینیان ارائه کرده‌اند، ارائه دهد، یا ارائه خوانش جدید را سخت دشوار می‌سازند.

روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» در منابع اهل سنت

در بخش پیشین به بررسی زمینه‌های صدور و کاربردهای روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» در آثار روایی شیعی پرداختیم و گفتیم که این زمینه‌های صدور، در کنار روایات پیرامونی و نیز کاربردهای روایت مورد بحث، احتمالاً خوانش‌گر شیعی را وادار می‌ساخته تا خوانشی اخلاقی از روایت مورد نظر ارائه دهد در این بخش، زمینه‌های صدور این روایت را و نیز کاربردهایی که در آثار روایی اهل سنت یافته، مورد ارزیابی و بررسی قرار می‌دهیم.

الف. زمینه صدور و زیادت‌های لفظی

در میان اهل سنت، تنها یک زمینه صدور را برای روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» می‌توان سراغ گرفت. ابن سلامه در کتاب *دستور معالم الحکم* - که به سخنان حکمت‌آمیز امیرالمؤمنین - علیه السلام - اختصاص دارد - از پیرمردی شامی با نام زید بن صوحان نام می‌برد که در باره فضایل امیرالمؤمنین - علیه السلام - شنیده بود، و از همین رو به نزد حضرت آمد. وی از حضرت پرسش‌ها می‌کند و حضرت نیز به وی جواب می‌دهند. طی یکی از این پرسش‌ها، وی از حضرت در باره بافضیل‌ترین کارها می‌پرسد که حضرت پاسخ می‌دهند: «انتظار الفرج».^{۲۲} با توجه به پرسش‌های پیشین و پسین این پرسش - که در باره بزرگ‌ترین مصیبت در دین و بهترین مردمان است^{۲۳} - خوانش‌گر اهل سنت می‌تواند نتیجه

۲۲. دستور معالم الحکم، ص ۱۰۳.

۲۳. متن این بخش از گفت و گو چنین است: «قال فأی المصائب أشد؟ قال: المصيبة فی الدین. قال فأی الأعمال أحب إلى الله عز وجل؟ قال: انتظار الفرج. قال: فأی الناس خیر عند الله؟ قال أخوفهم لله وأصبرهم علی التقوی وازهدهم فی الدنیا» (دستور معالم الحکم، همانجا).

بگیرد که مقصود حضرت، انتظار گشایش در امور زندگی بوده است.^{۲۴}

با آن که در میان کتب حدیثی اهل سنت، زمینه صدور به میزان آنچه در آثار حدیثی شیعی شاهد بودیم، ذکر نگردیده است، اما می توان در این آثار نقل هایی از روایت مورد نظر یافت که می توانند در حکم زمینه صدور باشند. این نقل ها، نقل هایی هستند که نسبت به لفظ «أفضل الأعمال انتظار الفرج»، دارای زیادت هایی هستند. به نظر می رسد که این زیادت های لفظی، می توانسته اند خوانش خوانش گرسنی مذهب را تحت تأثیر قرار دهند؛ بدین نحو که جهت بیان روایت را به سوی یکی از دو خوانش اصلی روایت، یعنی خوانش اخلاقی یا خوانش قائم محور آن سوق دهند. در ادامه به نمونه هایی از این دست نقل های همراه با زیادت در لفظ اشاره می کنیم:

یکی از نقل های مهم و پربسامد روایت ما در متون اهل سنت، نقلی با این لفظ است:

سلوا الله من فضله، فأنه يحب ان يسأل، وإن من أفضل العباداة انتظار الفرج.^{۲۵}

با در نظر گرفتن لفظ این نقل، شماری از مفسران اهل سنت، آن را ذیل آیه ۳۲ سوره نساء آورده اند.^{۲۶} بخشی از آیه «وأسألوا الله من فضله» با بخشی از نقل یاد شده از روایت ما، به لحاظ لفظی نزدیک است. آنچه که متن آیه به آن اشاره دارد، آن است که آنچه را که خداوند به آن، برخی از شما را بر برخی دیگر فضل داده، آرزو نکنید. زنان نصیب خود و مردان نصیب خود را می برند. در مقابل، از فضل خدا طلب کنید. طبری در تفسیر خود، ضمن آوردن این نقل از روایت مورد بحث، اشاره می کند که برخی گفته اند که زنان آرزو می کردند همانند مردان می توانستند جهاد کنند. نقل دیگر، آن است که زنان آرزو می کرده اند که سهم ارثی برابر با مردان می داشتند. طبری می گوید که خداوند ضمن این آیه، زنان را از آرزوهای باطل باز داشته، و به آنها می گوید که از فضل خدا طلب کنید؛ چرا

۲۴. این زمینه صدور را عالمان شیعی در آثار خود فراوان ذکر کرده اند؛ مثلاً نگاه کنید: من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۷۴؛ الامالی (ابن بابویه)، ص ۴۷۹؛ الامالی (طوسی)، ۲۳۶؛ الأربعون حدیثاً، ص ۶۳ (اصل روایت: ص ۶۱-۶۴).

۲۵. این نقل را می توان در آثار روایی بسیاری یافت. برای نمونه رک: الدر المنثور، ج ۲، ۱۴۹؛ جامع البیان، ج ۴، ص ۷۰-۷۱؛ احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۳۱۲؛ الجامع الصحیح، ج ۵، ص ۲۲۵-۲۲۶؛ کنز العمال، ج ۲، ص ۳۶، ۷۹؛ ج ۳، ص ۲۷۲؛ الفرج بعد الشدة، ص ۲۷.

۲۶. متن آیه ۳۲ سوره نساء چنین است: «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْتُ بَلَاءً وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا».

که خداوند دوست می‌دارد که از او طلب کنند.^{۲۷} این روایت ذیل این آیه در شماری دیگر از تفاسیر اهل سنت مانند تفسیر الشعلی،^{۲۸} تفسیر ابن کثیر،^{۲۹} الدر المنثور سیوطی^{۳۰} و تفسیر ابوالسعود^{۳۱} قابل پی‌جویی است. به این ترتیب، ذکر روایت مورد بحث ذیل این آیه، با توجه به آنچه مفسران ذیل این آیه آورده‌اند، خوانش‌گر اهل سنت را و می‌دارد که این روایت را این‌گونه بفهمد: از فضل خدا طلب کنید و برسیدن آن فضل و گشایش امرتان شکیباً باشید. به این ترتیب، به نظر می‌رسد که برای خوانش‌گر اهل سنت مجالی باقی نمی‌ماند که حتی با وجود باور به مسأله مهدویت، ترکیب «انتظار فرج» را در روایت مورد بحث، انتظار ظهور مهدی موعود - علیه السلام - بخواند.

از جمله آثار دیگر نگاشته شده در فضای علمی اهل سنت - که نقلی از روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرّج» را همراه با زیادتی در لفظ در بردارد - کتاب الفرّج بعد الشدة اثر ابو علی مُحَسِّن تنوخی (م ۳۸۴ق) قاضی و ادیب برجسته بغداد است. تنوخی نقلی از روایت ما را از امیرالمؤمنین - علیه السلام - با این لفظ می‌آورد:

أفضل عمل המתحنين، انتظار الفرّج من الله، والصبر على قدر البلاء.^{۳۲}

در این نقل از روایت نیز، همانند نقلی که در بند پیش از آن بحث شد، زیادت‌های لفظی نسبت به روایت مورد بحث شاهدیم. این عبارات زیاده نیز می‌توانند جهت بیان روایت را تعیین کنند. در این جا سخن از کسانی است که از راه فرو فرستادن بلا از سوی خدا مورد آزمایش قرار گرفته‌اند. امیرالمؤمنین - علیه السلام - می‌فرماید که برترین عمل این افراد آن است که بر آن بلا صبر پیشه کنند و منتظر رفع آن از سوی خدا باشند. می‌توان اندیشید که هر خوانش‌گری از اهل تسنن با دیدن این زیادت‌های لفظی، «انتظار فرج» را انتظار رفع بلا می‌فهمد.^{۳۳}

۲۷. جامع البیان، ج ۴، ص ۷۰-۷۱.

۲۸. الكشف والبیان، ج ۳، ص ۳۰۰.

۲۹. تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۵۰۰.

۳۰. الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۴۹.

۳۱. تفسیر ابی‌السعود، ج ۲، ص ۷۵.

۳۲. الفرّج بعد الشدة، ج ۱، ص ۱۹.

۳۳. نقل سومی را نیز می‌توان در منابع اهل سنت یافت که نسبت به روایت مورد بحث، زیادت لفظی دارد. لفظ این نقل چنین است: «انتظار الفرّج من الله بالصبر عبادة، و من رضی من الله - عز و جل - بالقلیل من الرزق رضی الله - عز و جل - منه بالقلیل من العمل» (ادب الدنيا والدین، ج ۱، ص ۲۷۰). در این نقل نیز سخن از روزی و تنگی رزق

بر اساس آنچه گذشت، در میان اهل سنت، در کنار زمینه صدوری که برای روایت ذکر شده است، با وارد شدن برخی نقل‌ها از روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» - که نسبت به آن زیادتی در لفظ داشته‌اند - جهت بیان آن روایت به نحوی تعیین می‌شود که خوانش‌گر، تمایل به قطب خوانش اخلاقی می‌یابد؛ یعنی آن را این‌گونه می‌فهمد که با فضیلت‌ترین کارها، انتظار گشایش در سختی‌هاست.

ب. کاربردها

در بخش پیشین گذشت که در حوزه اهل سنت، زمینه صدور و برخی زیادت‌های لفظی در نقل‌هایی از روایت مورد بحث، خوانش گراهل سنت را به سوی قطب خوانش اخلاقی می‌کشانیده است. در این‌جا به دنبال آنیم تا بیابیم که این روایت، چه کاربرد یا نقشی در آثار حدیثی داشته است. هدف، آن است تا دریابیم که خوانش گراهل سنت، با مراجعه به این آثار، با چه بافتی برای روایت مورد بحث ما مواجه می‌شده است. این‌جا نیز برای یافتن کاربرد این روایت، به بررسی جایگاه این روایت در آثار روایی می‌پردازیم. باید تأکید کرد این که روایتی اساساً در چه اثری آمده، یا این که در آن اثر در چه فصلی و ذیل چه بابی آورده شده، خود نمایش‌گر بافتی است که خوانش‌گر، این روایت را می‌توانسته در آن بافت بخواند. البته در کنار آثار روایی، آثار تفسیری نیز می‌توانند در این میان یاری‌رسان باشند. در آثار تفسیری، بافت، آن آیه‌ای خواهد بود که مفسر، روایت مورد بحث ما را ذیل آن آورده است. در ادامه تحلیلی را از بافت روایت مورد بحث در برخی آثار حدیثی و تفسیری ارائه می‌دهیم. بحث را با منابع حدیثی آغاز می‌کنیم.

ترمذی عالم حدیث برجسته سده سوم قمری، یکی از متقدم‌ترین محدثان اهل سنت که نقل‌هایی از روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» را در کتاب السنن خود آورده، نقلی از روایت ما را در بخشی با عنوان «ابواب الدعوات» جای داده است. وی ششمین باب از این مجموعه ابواب را «باب فی انتظار الفرج و غیر ذلک» نامیده است. در این بخش، روایاتی دیگر در باب درخواست از خدا وارد شده‌اند.^{۳۴} به این ترتیب، شاهدیم بابی که ترمذی نقلی از روایت مورد بحث را در آن قرار داده، باب مجموعه روایاتی است در مورد درخواست

در کنار روایت مورد بحث قرار گرفته که باز موجب خوانش اخلاقی از آن می‌گردد. ابوبکر احمد بن حسین بیهقی، محدث و فقیه هم‌کیش ماوردی، در کتاب الآداب خود - که اثری در حوزه ادبیات اخلاقی است - دو نقل از روایت مورد بحث را - که مشابه نقل ماوردی در ادب الدنيا والدين هستند - ذکر می‌کند (رک: الآداب، ج ۳، ص ۴۵).

۳۴. الجامع الصحیح، ج ۵، ص ۲۲۵-۲۲۶.

از خداوند و شکیبا بودن برای استجاب در خواست.

در سده سوم قمری، ابن ابی الدنيا، عالم اهل حدیث بغدادی در کتابی با عنوان الصبر والثواب علیه، نقلی از روایت ما را وارد ساخته است.^{۳۵} عنوان کتاب، خود گویای آن است که روایت مورد بحث در بافت مجموعه روایاتی قرار گرفته که اشاره به صبر بر گرفتاری‌ها دارند و ثوابی که فرد صابر از این صبر خود به اجر می‌برد.

یک سده بعد و در سده چهارم قمری، ابوعلی مُحَسِّن تنوخی (م ۳۸۴ ق)، ادیب و قاضی مشهور بغداد در کتاب *الفرج بعد الشدة*، نقلی از روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» را از امیرالمؤمنین - علیه السلام - ذیل بابی با عنوان «اقوال الحكماء فی الصبر» جای داده است.^{۳۶} عنوان باب به خوبی گویای آن است که تنوخی با سخن امیرالمؤمنین - علیه السلام - معامله سخنی حکمت‌آمیز در باب صبر کرده که صاحب سخن، مخاطب خود را به صبر و شکیب بر ناملازمات پند می‌دهد. این بافت، خوانش گراهل سنت را - که با روایت مورد نظر ما مواجه می‌گردد - به سمت خوانش اخلاقی سوق می‌دهد. بررسی برخی منابع دیگر روایی اهل سنت - که در سده‌هایی پس از سده پنجم نگاشته شده‌اند - نشان می‌دهد که در آنها نیز روایت مورد نظر ما، کاربردی مشابه آنچه تاکنون گفته‌ایم، داشته است.^{۳۷}

اما در متون تفسیری نیز می‌توان کاربردی را برای این روایت جست؛ چه مفسر، آن گاه که تصمیم دارد روایت مورد بحث را ذیل آیه‌ای به کارگیرد، با خوانشی که از روایت دارد، و با اعطای مکانی به آن در تفسیرش، یعنی آوردن آن ذیل یک آیه، به روایت بافتی را داده است. این در مقیاس آثار روایی به آن ماند که محدث، روایت مورد بحث را با گروهی دیگر روایات ذیل بابی آورده و نامی برای آن برگزیند. در این جا به ذکر دو مثال از منابع تفسیری

۳۵. *الثواب والصبر علیه*، ج ۱، ص ۱۲۷. نقلی که ابن ابی الدنيا آورده، از این قرار است: انتظار الفرج بالصبر عبادة.

۳۶. *الفرج بعد الشدة*، ج ۱، ص ۱۹.

۳۷. برای نمونه رک: *ادب الدنيا والدين*، ج ۱، ص ۲۷۰؛ *احیاء علوم الدین*، ج ۱، ص ۳۱۲؛ *الفروع*، ج ۲، ص ۱۸۸؛ *مجمع الزوائد*، ج ۱۰، ص ۲۲۱-۲۲۳؛ *کنز العمال*، ج ۳، ص ۵۲؛ *الأداب*، ج ۳، ص ۴۵. از میان تمام آثار روایی اهل سنت در تمام ادوار تاریخی، ما توانسته‌ایم تنها عالمی حنفی با نام قندوزی بلخی (م ۱۲۴۹ ق) را - که از اهل تصوف بوده - بیابیم که روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» را همانند شیعیان فهم کرده است: «أی انتظار الفرج بظهور المهدي سلام الله علیه» (*نبایع المودة*، ص ۵۹۲). از آنجا که می‌دانیم اهل تصوف به امیرالمؤمنین و فرزندان ایشان همانند شیعیان توجه و دل‌بستگی نشان می‌داده‌اند، این خوانش شیعی گون را نمی‌توان در عداد خوانش‌های اهل سنت به شمار آورد. به لحاظ نظری می‌گوییم که این خوانش بیرون از گفتمان تفسیری اهل سنت از روایت مورد نظر است. نگاه کنید: بخش پنجم نوشتار حاضر.

اكتفا می‌کنیم:

در سده نهم قمری شاهدیم که جلال الدین سیوطی در تفسیر روایی خود با عنوان الدر المنثور نقل‌های متعددی از روایت مورد بحث را ذیل آیه ۳۲ سوره نساء می‌آورد. قابل توجه‌ترین نقلی که وی می‌آورد، دارای این لفظ است: «سلوا الله من فضله فانه يحب ان يسأل، وان من افضل العبادۃ انتظار الفرج».^{۳۸} او با توجه به بافتی که به نقل‌هایی از روایت مورد بحث ما می‌دهد، یعنی آوردن آن ذیل آیه ۳۲ سوره نساء، خوانشی از آنها ارائه داده است که مایل به قطب خوانش اخلاقی از روایت مورد نظر است.

در سده چهاردهم قمری ابن عاشور، از مفسران مطرح اهل سنت در دوره معاصر، ذیل آیه ۴۹ سوره فصلت نقلی از روایت مورد نظر را می‌آورد.^{۳۹} ذیل این آیه ابن عاشور به شرح معنای آیه می‌پردازد که اگر شری به انسان رسید، به زودی او از رحمت خدا ناامید می‌شود و این، از آن رواست که او شکیبایی پیشه نمی‌کند. سپس نقلی از روایت ما را می‌آورد، بدون این که ذکر سندی کند یا گوینده حدیث را معرفی نماید. متن روایتی که ابن عاشور نقل می‌کند چنین است: «انتظار الفرج بعد الشدة عبادة».^{۴۰} این بافت برای روایت ما نوو بی سابقه است. این بافت به شکلی روشن نشان دهنده خوانش ابن عاشور از روایت است. او انتظار کشیدن گشایش به هنگام شدت و سختی را از بندگی خوانده و از همین رو آن را ذیل آیه یاد شده در بالا آورده است. خوانش او بی شک خوانشی اخلاقی روایت ماست.

در جمع‌بندی از این بحث باید گفت که زمینه صدور روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج»، زیادت‌های لفظی برخی نقل‌های آن و سرانجام برخی کاربردهایی که در متون حدیثی و تفسیری اهل سنت یافته است، همواره خوانش گرسنی مذهب را به این سوراخه است، که در مقام خوانش آن، به سمت خوانش اخلاقی تمایل یابد.

مبانی روایی اندیشه مهدویت در میان اهل سنت

پیش‌تر گذشت که در میان شیعه برخی از خوانش‌های ارائه شده از روایت مورد بررسی

۳۸. الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۴۹.

۳۹. متن این آیه چنین است: «لا يسألم الإنسان من دعاء الخیر وإن مسه الشر فيؤس قنوط».

۴۰. التحرير والتنوير، ج ۲۵، ص ۸۵.

ما، با اندیشه مهدویت پیوند خورده بود.^{۴۱} در خوانش های شیعی، ترکیب «انتظار فرج» را به مثابه ترکیب اصلی روایت مورد بحث، انتظار ظهور حضرت حجت - علیه السلام - فهم کرده اند؛ اما می دانیم که اندیشه مهدویت ظهور مهدی در آخر الزمان، در میان آثار روایی اهل سنت نیز یافت می شود. با وجود این، با مروری که بر خوانش های ارائه شده از روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» از سوی علمای اهل سنت در طول تاریخ اسلام داشتیم، دیدیم که خوانشی مشابه خوانش شیعه از این روایت، مطرح نبوده است. پرسش ما در این جا آن است که پس چه روایاتی در باب مسأله مهدویت مورد توجه اهل سنت قرار گرفته اند و چگونه این روایات با مسأله مهدویت پیوند می خورند که روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» پیوند نمی خورد.

الف. نوع روایت های مورد استناد

پیش از آغاز بحث باید روی این نکته دست گذاشت که تقریباً همه گروه های اهل سنت به اندیشه مهدویت قایل اند. ابوطیب شمس الحق العظیم آبادی (م ۱۳۲۹ق) در کتاب خود با عنوان *عون المعبود* - که شرح سنن ابوداود است - در آغاز شرح خود بر «کتاب المهدی» از سنن ابی داود، این گونه می گوید که مشهور میان همه اهل اسلام در همه دوران ها آن بوده است که بی شک در آخر الزمان مردی از اهل بیت رسول خدا - صلی الله علیه و آله - ظهور می کند که دین خدا را یاری می دهد، عدل را می گستراند و مسلمانان از وی تبعیت خواهند کرد.^{۴۲} نیز محمد بن جعفر الکتانی در اثر خود با عنوان *نظم المتناثر من الحدیث المتواتر*، ذیل کتاب «أشراط الساعة»، در بخش احادیث «خروج المهدی»، ابتدا طرقی چند از روایات مربوط به خروج مهدی را ذکر می کند و سپس می افزاید که اخبار مهدی به حد تواتر رسیده اند.^{۴۳} اگر چه که می دانیم در میان اهل سنت، اختلافاتی در نوع اندیشه شان نسبت به مسأله مهدویت وجود دارد، اما دو گفته از دانشمندان معاصر اهل سنت، دست کم دلالت بر وجود اتفاق نظر میان آنها بر مسأله مهدی به مثابه کسی که ظهورش در آخر الزمان از سوی رسول خدا - صلی الله علیه و آله - وعده داده شده است، دارد.^{۴۴}

۴۱. نگاه کنید به بخش اول همین نوشتار.

۴۲. *عون المعبود*، ج ۱۱، ص ۳۶۱.

۴۳. *نظم المتناثر*، ص ۲۲۶.

۴۴. روایت هایی که در سنت روایی اهل سنت به مسأله مهدویت اشاره دارند، تقریباً از سوی عمده بزرگان آنها در

بر اساس برخی پژوهش‌ها، روایات مربوط به مسأله مهدویت را در دست‌کم ۲۷ مجموعه روایی مشهور اهل سنت می‌توان یافت. از جمله برجسته‌ترین این آثار این‌ها هستند: المصنف عبدالرزاق صنعانی، المصنف ابن ابی شیبیه کوفی، مسند احمد بن حنبل، سنن ابن ماجه و سنن ابوداود. البته باید تأکید نمود که دو کتاب مشهور صحیح البخاری و صحیح مسلم جزو این مجموعه قرار نمی‌گیرند و روایاتی در باب مهدویت به خود اختصاص نداده‌اند.^{۴۵} سوای نقل روایات مهدویت در مجموعه‌های روایی، شاهدیم که علمای اهل سنت به نگارش تک‌نگاری‌هایی نیز درباره مسأله مهدویت دست زده و آثار متعددی را به گردآوری روایات مهدویت اختصاص داده‌اند. ابویعلی البیضاوی محقق کتاب العرف الوردی فی اخبار المهدی از جلال الدین سیوطی، در انتهای این اثر، فهرستی را از ۵۹ تک‌نگاری ارائه می‌دهد که از ابتدای تاریخ اسلام تا دوره معاصر از سوی علمای اهل سنت به مسأله مهدویت اختصاص یافته‌اند. البته همه این آثار برجای نمانده‌اند.^{۴۶} بر اساس بررسی ابویعلی، قدیمی‌ترین اثر مستقل در این باره را ابوبکر بن ابی خیثمه النسائی (م ۲۷۹ق) در سده سوم قمری با نام «الأحادیث الواردة فی المهدی» نگاشته است.^{۴۷}

اما درباره نوع روایاتی که در میان آثار روایی اهل سنت به مسأله مهدویت اختصاص یافته‌اند، باید گفت که این دست از روایات بیشتر از جنس روایات ملاحم و فتن هستند. در واقع، این دست از روایات اهل سنت به اخبار آخرالزمان با محوریت مهدی موعود اختصاص یافته‌اند. در این نوع از روایات به مسائلی مانند نام حضرت،^{۴۸} ویژگی‌های

آثارشان نقل گردیده‌اند. أبوطیب عظیم آبادی در کتاب خود از ترمذی، ابوداود، ابن ماجه، ابوبکر بزار، حاکم نیشابوری، طبرانی و ابویعلی (م ۳۰۷ق، صاحب مسند) به مثابه عالمان اهل حدیثی یاد می‌کند که روایات مربوط به موضوع مهدویت را در آثار خود وارد ساخته‌اند. در ادامه نیز چهارده تن از صحابه رسول خدا - صلی الله علیه و آله - را از جمله امیرالمؤمنین، ابن عباس، ابن عمر، عبدالله بن مسعود، انس بن مالک، ام سلمه و دیگران، به مثابه کسانی نام می‌برد که روایات مربوط به مسأله مهدویت را نقل کرده‌اند (رک: عون المعبود، ج ۱۱، ص ۳۶۱).

۴۵. بررسی تطبیقی مهدویت، ص ۳۸ - ۵۵.

۴۶. العرف الوردی، ص ۱۸۸ - ۱۹۵.

۴۷. العرف الوردی، ص ۱۸۸. باید تأکید کرد که میان اهل سنت درباره مهدی موعود - علیه السلام - دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. نیز دیدگاه‌های آنها در این باره با شیعه نیز متفاوت است (رک: امام مهدی - علیه السلام -، ص ۲۷ - ۳۰).

۴۸. برای نمونه می‌توان به این روایت اشاره نمود: أخرج نعیم بن حماد، عن أبی سعید خدری، عن النبی - صلی الله علیه و آله - قال: «اسم المهدی اسمی» (العرف الوردی، ص ۱۰۶).

ظاهری و خلق و خوی ایشان،^{۴۹} این که از نسل چه کسی هستند،^{۵۰} محل ظهور ایشان،^{۵۱} نشانه‌های ظهور ایشان،^{۵۲} وقایع مهمی که به هنگام ظهور به وقوع می‌پیوندد،^{۵۳} حال دنیا و حال مسلمین به هنگام ظهور،^{۵۴} آثار حکمرانی ایشان بر زندگی انسان‌ها^{۵۵} و جز آن اشاراتی رفته است.^{۵۶} به این ترتیب، می‌توان مشاهده نمود که در میان اهل سنت چه دسته روایاتی درباره مهدی موعود - علیه السلام - وارد گردیده است.

ب. جایگاه روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج»

در بخش پیشین به بررسی مسأله مهدویت در آثار روایی اهل سنت پرداختیم. در این بخش می‌کوشیم تا دریابیم که روایت مورد نظر در این مجموعه‌های حدیثی چه جایگاهی دارد. برای این منظور، برخی از آثار نگاشته شده فضای اهل سنت را - که به مسأله مهدویت اختصاص دارند - مورد بررسی قرار می‌دهیم. می‌کوشیم تا با توجه به سیر تاریخی

۴۹. برای نمونه می‌توان به این روایت اشاره نمود: عن حذیفة، قال: قال رسول الله - صلى الله عليه وآله -: «المهدى رجل من ولدى، وجهه كالنجم الدؤبى» (الأربعون حديثاً فى المهدى، ص ۶۰).

۵۰. برای نمونه می‌توان به این روایت اشاره نمود: عن أم سلمة - رضی الله عنها - قالت: سمعت رسول الله - صلى الله عليه وآله - يقول: «المهدى من عترتى من ولد فاطمة - رضی الله عنها -» (عقد الدرر، ص ۶۹). أخرج أبو نعیم، عن أبی سعید، عن النبی - صلى الله عليه وآله - قال: «المهدى من أهل البيت، رجل من أمتى أشم الأنف، يملأ الأرض عدلاً كما ملئت جوراً» (العرف الوردی، ص ۴۹).

۵۱. برای نمونه می‌توان به این روایت اشاره نمود: أخرج أيضاً [نعیم] عن قتادة قال: قال رسول الله - صلى الله عليه وآله -: «أنه يخرج من المدينة إلى مكة، فيستخرجه الناس من بينهم، فيبايعونه بين الركن والمقام وهو كاره» (همان، ص ۱۱۶).

۵۲. برای نمونه می‌توان به این روایت اشاره نمود: أخرج نعیم، عن [عبدالله بن] عمرو بن العاص قال: علامة خروج المهدى إذا خسف بجيش بالبيداء فهو علامة خروج المهدى (همان، ص ۸۸ - ۸۹).

۵۳. برای نمونه می‌توان به این روایت اشاره نمود: أخرج [نعیم بن حماد عن كعب] أيضاً عن علي - عليه السلام - قال: «تخرج رايات السود، تقاتل سفیانی، فيهم شاب من بنى هاشم، فى كتفه اليسرى خال، وعلى مقدمته رجل من بنى تمیم، يدعى شعيت بن صالح، فيهم أصحابه» (همان، ص ۹۲).

۵۴. برای نمونه می‌توان به این روایت اشاره نمود: عن جابر بن سمرة، عن نافع بن عتبة قال: سمعت رسول الله - صلى الله عليه وآله - يقول: «تقاتلون جزيرة العرب، فيفتحهم الله، ثم تقاتلون فارس، فيفتحهم الله، ثم تقاتلون الدجال، فيفتحهم الله» (عقد الدرر، ص ۲۷۶).

۵۵. برای نمونه می‌توان به این روایت اشاره نمود: عن أبی سعید الخدری، عن النبی - صلى الله عليه وآله -، قال: «يتنعم أمتى فى زمان المهدى نعمة لم يتنعموا مثلها قط، يرسل [الله] السماء عليهم مدراراً، ولا تدع الأرض شيئاً من نباتها (إلا أخرجته)» (الأربعون حديثاً فى المهدى، ص ۸۹).

۵۶. برای نمونه‌های بیشتر رک: الأربعون حديثاً فى المهدى، سراسر کتاب: العرف الوردی، سراسر کتاب: عقد الدرر، سراسر کتاب. برای یک دسته بندی از موضوعات روایات اهل سنت در باب مهدویت رک: درسنامه مهدویت، ص ۸۵ - ۹۷.

آثار پیش برویم.

یکی از نخستین آثاری که درباره روایات موجود در سنت حدیثی اهل سنت درباره موضوع مهدویت به رشته تحریر درآمده است، کتاب *الأربعون فی المهدی* است که آن را محدث برجسته ابونعیم اصفهانی (م ۴۳۰ق) نگاشته است. وی در این اثر به ذکر چهل حدیث مهم درباره مهدی موعود در موضوعات متنوع می پردازد. بررسی متن این کتاب نشان می دهد که نمی توان روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» را در آن جست.^{۵۷}

بیش از دوسده بعد و در سده هفتم قمری، یوسف بن یحیی السلمی الشافعی (م ۶۸۵ق) کتابی با نام *عقد الدرر فی أخبار المنتظر وهو المهدی - علیه السلام* - در باب روایات وارد شده درباره مهدی موعود - علیه السلام - نگاشته شده است. وی در این اثر، ۳۹۲ روایت را، بدون محاسبه تکرار، در موضوع مهدی موعود نقل می کند. در این کتاب نیز نمی توان روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» را یافت. تنها یک روایت را از امیرالمؤمنین - علیه السلام - می توان جست که دارای ترکیب اصلی روایت مورد بحث ماست؛ یعنی ترکیب «انتظار الفرج». متن روایت ذکر شده در این اثر چنین است:

انتظروا الفرج فی الثلاث. قلنا: یا امیرالمؤمنین و ماهی؟ قال: اختلاف اهل الشام بینهم،
والرایات السود من خراسان، والقرعة فی شهر رمضان.^{۵۸}

با توجه به تعریفی که پیش تر ارائه دادیم، این روایت، روایتی پیرامونی برای روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» خواهد بود، اما نمی توان آن را نقلی از روایت مورد نظر دانست. یک سده پس از کتاب *عقد الدرر*، جلال الدین سیوطی کتابی را با عنوان *العرف الوردی فی أخبار المهدی* می نگارد و در آن ۱۰۷ حدیث و ۱۲۴ اثر از صحابه و تابعان در باب مهدی موعود نقل می کند.^{۵۹} بررسی این اثر نیز نشان می دهد که روایت مورد نظر ما، در آن راه نیافته است.^{۶۰}

در دوره معاصر نیز از میان اهل سنت، برخی به نگارش آثاری درباره روایات مربوط به مهدی موعود دست زده اند. در برخی از این آثار با وجود آن که مؤلف کوشیده همه روایت های ضعیف و معتبر را گردآوری کند، باز سراغ روایت مورد بحث ما نرفته و آن را وارد

۵۷. رک: سراسر کتاب.

۵۸. *عقد الدرر*، ص ۱۶۹.

۵۹. *العرف الوردی*، ص ۴۷.

۶۰. رک: سراسر کتاب.

کتاب خود ننموده است.^{۶۱}

تحلیل چرایی تفاوت خوانش

آنچه که از ابتدای این نوشتار تاکنون تلاش کرده ایم که به آن بپردازیم، آن بوده که چرا با وجود باور اهل سنت به مسأله مهدویت، روایت مورد نظر ما در سنت روایی آنها تنها به مثابه سخنی اخلاقی دریافت گردیده است. تا این جا کوشیدیم نشان دهیم که زمینه صدور روایت مورد بحث، در کنار کاربرد آن در منابع حدیثی اهل سنت موجب شده اند تا همواره «انتظار الفرج» در روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» به انتظار گشایش سختی های زندگی فهم گردد. به این ترتیب، این روایت - که در بسیاری آثار شیعی در بافت مسأله فرج مهدی موعود - علیه السلام - کاربرد یافته - به میان روایاتی از اهل سنت - که در باره موضوع مهدویت هستند - راه نیافته است.

اگر بخواهیم نقش زمینه صدور و زیادت های لفظی و نیز کاربردهای روایت مورد بحث را در به کار نرفتن آن در بحث مهدویت در میان اهل سنت تحلیل کنیم، باید گفت که به گمان قوی این سه عامل، موجب شکل گیری گفتمان تفسیری ویژه ای برای روایت مورد بحث ما فکری اهل سنت گردیده اند. به دیگر سخن، گفتمان تفسیری حاکم بر این روایت در سنت فکری اهل سنت برساخته سه عامل مهم بوده است: نخست، زمینه صدور این روایت است. در واقع، ایجاد ارتباط میان مفهوم «انتظار فرج» و مسأله قیام امام عصر - علیه السلام - از سوی معصومان - علیهم السلام - یک عامل مهم در ورود این روایت به گفتمان مهدویت در شیعه گردیده است. عامل دیگر را می توان زیادت های لفظی برخی نقل های آن، همانند عبارات «و من رضی بالقلیل من الرزق، رضی الله منه بالقلیل من العمل» و «سلو الله من فضله، فإن الله یحب أن یسأل» دانست. این زیادت های لفظی، جهت بیانی روایت را برای خوانش گرا اهل سنت به گونه ای شکل می داده اند که وی از روایت مورد بحث، انتظار گشایش در امور زندگی را فهم کرده است. سرانجام به مثابه عامل سوم باید از

۶۱. عبدالعلیم عبدالحلیم البستونی دو کتاب با نام های *المهدی المنتظر فی ضوء الاحادیث والآثار الصحیحة*، و *موسوعة فی احادیث الامام المهدی الضعیفة والموضوعة نگاشته است* (رک: سراسر این دو اثر). در دوره معاصر، یکی از پژوهشگران شیعی نیز با نام عبدالکریم عبداللهی در کتابی با نام *طبقات راویان احادیث مهدویت از طریق اهل سنت*، دست به بررسی گسترده روایات مربوط به موضوع مهدویت در آثار اهل سنت زده است. با این حال، در این مورد نیز شاهدیم که روایت مورد بحث ما، در فهرست روایات مرتبط با مسأله مهدی موعود قرار نگرفته است (رک: *طبقات راویان*، سراسر کتاب).

کاربردهای این روایت در جوامع حدیثی اهل سنت یاد کرد که خوانش رایج را پیوسته بازتولید می‌کرده‌اند.^{۶۲} این سه عامل - که حضور قابل توجهی در متون حدیثی و تفسیری اهل سنت از آنها شاهد بوده‌ایم - اجازه نمی‌داده‌اند که خوانش گراهل سنت، بتواند از گفتمان تفسیری رایج این روایت خود را برهاند.

اما نکته دیگر به کار نرفتن روایت مورد بحث ما در مباحث مربوط به مهدویت در میان اهل سنت بود. تبیینی که برای این مسأله می‌توان پیشنهاد نمود، آن است که این موضوع، تحت تأثیر گفتمان تفسیری حاکم بر این روایت در میان اهل سنت صورت گرفته است. آن گونه که نشان دادیم، احادیث و آثاری که اهل سنت در ارتباط با مسأله مهدویت به آنها استناد می‌کنند، پرشمار است. با این حال، بررسی این منابع - که برخی حالتی دایرة المعارف گون نیز دارند - نشان داد که روایت ما هیچ‌گاه در این حوزه در میان اهل سنت مورد استناد نبوده است. به نظر، سه عامل یاد شده در بند پیش - که در بساختن گفتمان تفسیری این روایت، نقشی اساسی داشته‌اند - همواره حکم به خوانش اخلاقی آن داده‌اند. به این ترتیب، مؤلفان آثار مرتبط با موضوع مهدویت، به دلیل نوع خوانش رایج آن در مذهب خود، هیچ‌گاه در آثار حدیثی اهل سنت درباره مسأله مهدویت وارد نساخته‌اند.

نتیجه

پرسش اصلی‌ای که در این نوشتار به دنبال پیشنهاد پاسخی برای آن بودیم، آن بود که چرا در آن دسته از منابع روایی اهل سنت که به مسأله مهدویت پرداخته‌اند، برخلاف منابع شیعی، اشاره‌ای به روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» نداشته‌اند.^{۶۳} آنچه که به مثابه فرضیه پیش نهاده بودیم، آن بود که به نظر خوانش اهل سنت از این روایت، نسبت به خوانش شیعی آن متفاوت است. به این ترتیب، در آغاز کوشیدیم بیابیم که خوانش رایج میان اهل سنت، در باره این روایت چیست. بررسی‌ها نشان داد که به نظر، سه عامل در این میان تأثیرگذار بوده‌اند: نخست، زمینه صدور روایت و دوم، زیادت‌های لفظی برخی

۶۲. نگاه کنید به بند پایانی بخش دوم، قسمت «ب» از این نوشتار.

۶۳. پیش‌تر اشاره کردیم که در جوامع حدیثی اهل سنت، روایت مورد بحث وجود دارد، اما در معنای اخلاقی آن مراد بوده است. در تکنگاری‌های اهل سنت درباره مسأله مهدی موعود (ع)، اگرچه که ما همه منابع را جستجو نکرده‌ایم، اما می‌توان تصور کرد، که اگر این روایت در این ادبیات در میان اهل سنت، قابل توجه بود، آنگاه حتماً باید تک‌نقلی از آن در آثاری که ما جستجو کرده‌ایم قابل مشاهده باشد.

نقل‌های آن، و سوم، کاربردهای این روایت در نقش سخنی حکمت‌آمیز و پندآموز. بررسی هر سه عامل نشان داد که آنها خوانش‌گر سنی مذهب روایت مورد بحث را به این سمت متمایل می‌کرده‌اند که خوانشی اخلاقی از آن ارائه دهد. به این ترتیب، می‌توان گفت که به نظر، این سه عامل، عوامل اصلی شکل دهنده به گفتمان تفسیری این روایت در میان آثار اهل سنت بوده‌اند. بررسی آثار روایی شیعی نشان داد که زمینه صدور روایت مورد بحث و نیز کاربردهای آن، موجب شکل‌گیری خوانش قائم-محور از آن در فضای فکری شیعی گردیده است.

در تبیین این موضوع که چرا میان روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» و مسأله مهدویت در آثار روایی اهل سنت پیوندی ایجاد نشده است، شاید بتوان گفتمان تفسیری حاکم بر این روایت را عاملی دارای مهم‌ترین نقش دانست. در واقع، خوانش‌گران اهل سنت، حتی اگر ببینند که در منابع شیعی خوانشی مرتبط با مسأله مهدویت از این روایت ارائه داده‌اند، اما با مراجعه به سنت خود، شاهد خواهند که به سبب بودن فهمی غیر مرتبط از این روایت در باره مسأله مهدویت، آن را وارد آثار روایی اختصاص یافته به این مسأله نکرده‌اند. به این ترتیب، این قدرت گفتمان تفسیری این روایت در میان اهل سنت بوده است که اجازه به کارگیری آن را به گونه‌ای که در مذهب شیعه می‌توان شاهد بود، به خوانش‌گر اهل سنت نمی‌داده است.

کتابنامه

- الإحتجاج، طبرسی، احمد بن علی، تحقیق: محمد باقر موسوی الخراسان، بی‌جا: دارالنعمان، اول، ۱۳۸۶ق.
- إحياء علوم الدين، غزالی، محمد بن محمد، تحقیق: حسین خدیو جم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، اول، ۱۳۷۵ش.
- أدب الدنيا والدين، ماوردی، علی بن محمد، تحقیق: محمد کریم رایج، بیروت: دار القراء، چهارم، ۱۴۰۵ق.
- الأربعون حدیثاً، شهید اول، محمد بن مکی، تحقیق: مدرسة الامام مهدی - علیه السلام - قم: اول، ۱۴۰۷ق.
- الأربعون حدیثاً فی المهدی، ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله، تحقیق: علی جلال باقر، بی‌جا: مرکز الأبحاث العقائدية، اول، بی‌تا.

- الأملی، ابن بابویہ، محمد بن علی، تحقیق: مؤسسة البعثة، بی جا: مؤسسة البعثة، اول، ۱۴۱۷ق.
- الأملی، طوسی، محمد بن حسن، مقدمہ نویس: محمد صادق بحر العلوم، بی جا: مطبعة نعمان، اول، ۱۳۸۴ق.
- امام مہدی - علیہ السلام - رضوی، رسول، قم: مرکز مدیریت حوزہ علمیہ قم، اول، ۱۳۸۴ش.
- الأداب، بیہقی، احمد بن حسین، تحقیق: محمد عبد القادر عطا ومجدی سید الشوری، بیروت: دار الکتب العلمیة، اول، ۱۹۸۶م.
- بحار الأنوار، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، تحقیق: محمد باقر بہبودی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ق.
- بررسی تطبیقی مہدویت در روایات شیعہ و اہل سنت، اکبرنژاد، مہدی، قم: بوستان کتاب، اول، ۱۳۸۸ش.
- التحرير والتنوير المعروف بتفسير ابن عاشور، ابن عاشور، محمد طاهر، تحقیق: مؤسسة التاريخ العربی، بی جا: مؤسسة التاريخ العربی، اول، ۱۴۲۱ق.
- تحف العقول عن آل الرسول، ابن شعبہ، حسن بن علی، تحقیق: علی اکبر غفاری، ترجمہ: محمد باقر کمرہ ای، تہران: کتابچی، ہشتم، ۱۳۸۰ش.
- تفسير العياشي، عياشي، محمد بن مسعود، تحقیق: ہاشم رسولی، تہران: علمیة اسلامیة، دوم، ۱۳۷۱ق.
- تفسير القرآن العظيم، ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تحقیق: یوسف عبد الرحمن مرعشلی، بیروت: دارالفکر، اول، ۱۴۰۳ق.
- تفسير ابي السعود: المسمى ارشاد العقل السليم الى مزايا القرآن الكريم، ابوالسعود، محمد بن محمد، تحقیق: دار احیاء التراث العربی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، اول، بی تا.
- جامع البيان في تفسير القرآن، طبری، محمد بن جریر، تحقیق: محمود محمد شاکر، احمد محمد شاکر، بیروت: دارالمعارف، اول، ۱۹۶۱م.
- الجامع الصحيح وهو سنن الترمذی، ترمذی، محمد بن عیسی، تحقیق: احمد محمد شاکر، بی تا: مطبعة مصطفى البابي الحلبي واولاده، اول، ۱۳۵۶ق.
- الدر المنثور في التفسير بالمأثور، سیوطی، عبد الرحمن بن ابوبکر، تحقیق: مكتبة آية الله

- المرعشی النجفی، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، اول، ۱۴۰۴ق.
- درسنامه مهدویت، سلیمان، خدامراد، تهران: بنیاد فرهنگي حضرت مهدي موعود - عليه السلام، اول، ۱۳۸۷ش.
- دستور معالم الحكم، قضاعی، محمد بن سلامة، حاشیه: محمد سعید رافعی، مصر: المكتبة الأزهرية، اول، ۱۳۳۲ق.
- الصبر والشواب عليه، ابن ابی الدنيا، عبد الله بن احمد، تحقیق: محمد خیر رمضان یوسف، بی جا: دار ابن ازهم، یک، ۱۸۹.
- الصحیفة المهدی، قیومی اصفهانی، جواد، قم: دفتر نشر اسلامی، دوم، ۱۳۷۵ش.
- الصراط المستقیم الی مستحق التقدیم، نباطی عاملی، علی بن محمد، تحقیق: محمد باقر بهبودی، بی جا: مرتضوی، اول، ۱۳۴۲ش.
- طبقات راویان احادیث مهدویت از طریق اهل سنت، عبد اللهی، عبد الکریم، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، اول، ۱۳۸۶ش.
- العرف الوردی فی أخبار المهدی، سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، تحقیق: أبی یعلی البیضاوی، بیروت: دار الکتب العلمیة، اول، ۱۴۲۷ق.
- عقد الدرر فی أخبار المنتظر وهو المهدی، مقدسی شافعی سلمی، یوسف بن یحیی، تحقیق: مهیب بن صالح بن عبدالرحمن البورینی، الزرقاء: مكتبة المنار، دوم، ۱۴۱۰ق.
- عون المعبود شرح سنن أبی داوود، العظیم آبادی، محمد اشرف بن امیر تحقیق: عبد الرحمن محمد عثمان، مدینه: محمد عبد الحسن، ۱۳۸۹ق.
- عیون أخبار الرضا، ابن بابویه، محمد بن علی، تحقیق: انتشارات مؤسسه الاعلمی، بیروت: مؤسسه الاعلمی، اول، ۱۴۰۴ق.
- الغیبة، نعمانی، محمد بن ابراهیم، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: مكتبة الصدوق، اول، بی تا.
- الفرج بعد الشدة، تنوخی، محسن بن علی، تحقیق: عبود الشالجي، بیروت: دار صادر، اول، ۱۳۹۸ق.
- الفروع، ابن مفلح، محمد بن مفلح، تحقیق: عبد الله بن عبد المحسن التركي، ریاض: دارالمؤید، اول، ۱۴۲۴ق.
- الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب، ترجمه: جواد مصطفوی، هاشم رسولی، تهران: انتشارات وفا، اول، ۱۳۸۲ش.

- الكشف والبيان فى تفسير القرآن المعروف بتفسير الثعلبى، ثعلبى، احمد بن محمد، تحقيق: حسن كسروى، بيروت: دار الكتب العلمة، اول، ۱۴۲۵ق.
- كمال الدين وتمام النعمة، ابن بابويه، محمد بن على، تحقيق: على اكبر غفارى، تهران: نشر صدوق،؟؟؟ (چندمين چاپ)، ۱۳۶۳ش.
- كنز العمال فى سنن الاقوال والافعال، متقى، على بن حسام الدين، تحقيق: بكرى حيانى و صفوه سقا، بى جا: مؤسسة الرسالة، اول، ۱۴۰۵ق.
- مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، هيثمى، على بن ابى بكر، تحقيق: دار الكتب العلمية، بيروت: دار الكتب العلمية، دوم، ۱۴۰۸ق.
- مدينة المعاجز فى دلائل الأئمة الاطهار ومعاجزهم، بحراني، هاشم بن سليمان، تحقيق: عزة الله مولايى همدانى، قم: مؤسسة المعارف الإسلامى، اول، ۱۴۱۳ق.
- معانى الاخبار، ابن بابويه، محمد بن على، تحقيق: على اكبر غفارى، تهران: مكتبة الصدوق، اول، ۱۳۷۹ق.
- الملاحم والفتن، ابن طاووس، على بن موسى، تحقيق: ناشر، بى جا: انتشارات رضى، اول، ۱۳۹۸ق.
- من لا يحضره الفقيه، ابن بابويه، محمد بن على، تحقيق: على اكبر غفارى، تهران: مكتبة الصدوق، اول، ۱۳۹۲ق.
- موسوعة امام الجواد، حسينى قزوينى، محمد كاظم بن محمد ابراهيم، زير نظر: ابوالقاسم خزعلى، قم: مؤسسة الولى العصر - عليه السلام - للدراسات السلامية، اول، ۱۴۱۹ق.
- موسوعة فى أحاديث الامام المهدي الضعيفة والموضوعة، عبدالحليم البستونى، عبدالعليم، بيروت: دار ابن حزم للطباعة والنشر والتوزيع، اول، ۱۴۲۰ق.
- المهدي المنتظر فى ضوء الاحاديث والآثار الصحيحة، عبدالحليم البستونى، عبدالعليم، بيروت: دار ابن حزم للطباعة والنشر والتوزيع، اول، ۱۴۲۰ق.
- نظم المتناثر من الحديث المتواتر، كتانى، محمد بن جعفر، مصر: دار الكتب السلفية للطباعة والنشر، دوم، بى تا.
- هداية الكبرى، خصيبى، حسين بن حمدان، تحقيق: مؤسسة البلاغ للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت: مؤسسة البلاغ للطباعة والنشر والتوزيع، چهارم، ۱۴۱۱ق.
- ينابيع المودة، قندوزى، سليمان بن ابراهيم، تحقيق: علاء الدين الأعلمى، بيروت: مؤسسة الأعلمى للمطبوعات، اول، ۱۴۱۸ق.